

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال سیزدهم، شماره ۵۰، زمستان ۱۳۹۹
صفحات: ۱۴۰-۱۲۹
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۱۴؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۹/۱۰
مقاله: پژوهشی

بررسی علل توفیق ایران در تقابل با داعش

کامران پرهوده* / غلامحسین بلندیان** / احمد بخشایش اردستانی*** / اکبر اشرفی****

چکیده

هدف از پژوهش حاضر که با بهره گیری از روش توصیفی - تحلیلی به رشته تحریر درآمده است تبیین و شناخت علل موفقیت جمهوری اسلامی ایران در تقابل نظامی با داعش است و اینکه کدام عوامل و عناصر سبب توفیق و پیروزی ایران در این مداخله نظامی شدند. یافته های این پژوهش نشان می دهد که علل مختلفی در موفقیت ایران در مقابل داعش نقش داشته اند. از جمله می توان به رهبری انقلابی، توانایی های سپاه پاسداران، اتحاد استراتژیک با روسیه در خصوص تقابل با داعش، توان نظامی ایران، دیپلماسی قدرتمند ایران، موقعیت ایران در منطقه، قدرت گرفتن دولت شیعی در عراق، سازماندهی صحیح گروه های نیابتی در سطح منطقه اشاره کرد.

کلیدواژه ها

ایران؛ داعش؛ عراق؛ سوریه؛ تقابل.

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. kam2022@yahoo.com

** استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسؤول). gbolandian@gmail.com

*** استاد گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ahmadbakhshi0912@gmail.com

**** استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران. akbarashrafi552@gmail.com

۱. بیان مسأله

منطقه خاورمیانه سالهاست با پدیده ای تحت عنوان بنیادگرایی و یا افراط گرایی اسلامی روبه رو شده است. بنیادگرایی و به دنبال آن افراطی گری از مهم ترین مسائلی هستند که صلح و امنیت خاورمیانه را تهدید می کنند. در چند دهه گذشته خاورمیانه مرکز بحران های بسیاری بوده است که منجر به ایجاد درگیری های ملی و منطقه ای شده است. در این میان گروه هایی که تحت پرچم بنیادگرایی اسلامی فعالیت می کنند از ابزار تروریسم برای نیل به مقاصد استفاده کرده اند. از جلوه های بارز این گروه ها و نسخه جدید و به روز آن تشکیل گروه تروریستی داعش است که در عراق و سوریه منجر به تحولات گسترده ای شد که این امر نتیجه ناکارآمدی نیروهای امنیتی و همچنین اختلافات سیاسی و قومی مذهبی بود. بدیهی است زمانی که گروه های سیاسی به توافق ملی نرسند، تشدید اختلافات داخلی به همراه دخالت های روز افزون قدرت های ذی نفع منطقه ای و بین المللی منجر به رشد گرایش افراط گرایی خواهد شد و این موضوع یکی از دلایل صلی شکل گیری داعش است. چند دلیل جامع برای شکل گیری داعش بیان شده است (نجفی و مرادی، ۱۳۹۸: ۱۵۵). شامل:

۱. چالش ها و اختلافات سیاسی و مذهبی درون عراق و سوریه

۲. عدم شکل گیری صحیح روند دولت- ملت سازی

۳. حکمرانی ضعیف و تشدید خشونت

بنا شدن گروه تروریستی داعش به دوران بعد از از حمله آمریکا به عراق مربوط می شود. گروه تروریستی داعش در اصل بقایای گروه تروریستی دیگری با نام های گروه توحید و جهاد به رهبری ابومصعب الزرقاوی است که بعد از به هلاکت رسیدن زرقاوی در سال ۲۰۰۶ ابوحمزه المهاجر رهبر این گروه شد (شبکه العالم، ۱۳۹۳: ۱-۲). در ادامه این روند گروه دولت اسلامی در عراق در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۶ به رهبری ابو عمر البغدادی در چهارچوب معاهده «حلف المطیبین» شکل گرفت. با به هلاکت رسیدن ابو عمر البغدادی و ابوحمزه المهاجر در عراق در آوریل ۲۰۱۰، ابوبکر البغدادی جانشین ابو عمر شد که این امر منجر به فعال شدن عناصر این گروه در سوریه شد. این گروه بعد از آن نام خود را از دولت اسلامی عراق و شام به دولت خلافت اسلامی تغییر داد و ابوبکر را به عنوان رهبر مسلمانان جهان معرفی کرد (زلین، ۲۰۱۴: ۳).

این امر واضح است که وجود گروه تروریستی داعش نه تنها برای عراق و سوریه بلکه برای دولت ها و کشورهای هم مرز با عراق و سوریه نیز مانند ایران خطرات و مشکلاتی را ایجاد کرده

است. سیطره داعش بر بخش‌های سنی نشین عراق و سوریه بیشترین تهدیدات منطقه‌ای را برای جمهوری اسلامی ایران به وجود آورد. در ابتدا تحلیلگران از داعش با عنوان بازوی اصلی القاعده یاد می‌کردند اما به دلیل جنایات وسیع داعش و کشتارهایی که در زمان اوج خود انجام داد القاعده رسماً اعلام کرد که هیچگونه حمایتی از داعش نمی‌کند و ادعای داعش را مبنی بر وابستگی به القاعده رد کرد. بعد از عدم حمایت القاعده از داعش، عربستان و قطر و برخی از کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس و غربی که منافع مشترکی داشتند، حمایت خود را از داعش اعلام کردند. این امر منجر بدان شد که داعش با استفاده از کمک‌های تسلیحاتی که از مرز مشترک بین عربستان و سوریه دریافت می‌کرد، حملات گسترده‌ای را در سوریه انجام دهد. بعد از فعال شدن نیروی امنیتی عراق و مسدود شدن مرزها، درگیری بین نیروهای عراق و داعش نیز شدت گرفت و منجر به تصرف بخشی از شهرهای مرزی عراق شد (هوشی سادات، ۱۳۹۳: ۳).

۲. پیشینه پژوهش

آثاری که در این زمینه وجود دارند اغلب به چند موضوع شامل: اقدامات داعش، علل مقابله ایران، تهدیدات ناشی از داعش و داعش در خاورمیانه پرداخته‌اند. اما بحث علل موفقیت ایران کمتر به صورت جامع مورد بحث قرار گرفته و اغلب به صورت پراکنده موضوعاتی بررسی شده است. حال این مقاله قصد دارد این علل را در قالب یک مقاله با استنتاجات پژوهشگر مورد بحث قرار داده و عوامل پیروزی ایران در تقابل نظامی با داعش را شناسایی و احصاء نماید.

۳. چهارچوب نظری

ظهور جریان تروریستی - تکفیری داعش، ایران را در دو بعد ماهیت حکومت و ماهیت محیط با چالش جدی روبه‌رو کرد. طبق نظریه امنیت منطقه‌ای در مکتب کپنهاگ، هر چه منطقه‌ای به کانون بحران نزدیکتر باشد، تهدید و بحران پیش آمده با شدت بیشتری احساس می‌شود. لذا حضور گروه‌های تروریستی در منطقه به ویژه در کشورهایی که در همسایگی ایران قرار دارند مانند عراق، افغانستان، سوریه، پاکستان و ... موجب بروز پیامدهای جدی برای ایران شده است و مرزهای آبی و خاکی ایران را تحت فشار قرار داده است. می‌توان این طور نتیجه گرفت تداوم ناامنی در عراق و سوریه به نحوی تداوم ناامنی در کشورهای همسایه از

جمله ایران بوده است و می تواند پیامدهای امنیتی ناخوشایندی را برای نظام جمهوری اسلامی در پی داشته باشد. از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران در چارچوب یک نگاه سازه انگارانه به جهت دفاع از ارزش های مذهبی و فرهنگی و اعتقادی خود تقابل با داعش را برگزید تا مانع از خسارات و لطمات بیشتر این گروه تروریستی شود.

با اوج گرفتن تعرضات داعش در منطقه، سازمان ملل طی قطعنامه ای به همه کشورها اعلام کرد که با همکاری هم در مقابل داعش بایستند و موجبات شکست داعش را فراهم کنند. این امر موجب شد که کشورهای مختلف طی ائتلاف هایی در صدد جلوگیری از پیشروی داعش برآیند. در یک سوی این ائتلاف آمریکا قرار داشت و در سوی دیگر ایران و همپیمانانش. این امر موجب شد که در مورد دیدگاه و رویه ایران دو بحث مطرح شود (از غندی، ۱۳۹۴: ۳):

۱. اولین بحث بر سر همکاری بین ایران و آمریکا برای جلوگیری از پیشروی داعش بود. از آنجایی که هر دو کشور ایران و آمریکا از فروپاشی عراق آسیب فراوانی می دیدند واضح است که مسائل امنیتی عراق و وجود داعش خطری جدی برای این دو کشور تلقی می شد چرا که در طی چند دهه گذشته ایران و آمریکا نقش اساسی در مسائل سیاسی عراق داشتند. حال موضوع مهم این بود که این دو کشور با وجود اختلافات چگونه می توانند در کنار هم برای نابودی داعش ائتلاف کنند؟ رویه ای که دو کشور در این موضوع در پیش گرفتند گرایش به همکاری های غیرمستقیم در قالب اشتراک منافع بود.

۲. دومین مسأله این است که وجود داعش و مقابله با آن یک رقابت بین کشورهای منطقه ای و بین المللی مانند ایران، عربستان و ترکیه ایجاد کرده است. علت این رقابت را می توان در تمایل ترکیه و عربستان به کاهش قدرت منطقه ای ایران و موضع مخالف آن ها نسبت به سیاست های ایران در سوریه دانست. در این رقابت سیاست خارجه ایران سه رویکرد مهم را برای حفظ منفعت ملی انجام داد:

الف) از آنجایی که کشورهای مخالف سیاست ایران سعی داشتند ایران را به عنوان تروریست به مجامع جهانی معرفی کنند، ایران با نشان دادن اهمیت موضوع تروریست منطقه ای و متصل کردن بحران سوریه به بحث تروریست، عملاً نشان داد که تروریست نبوده و بالعکس به دنبال کاهش تنش در منطقه و از حامیان اصلی مبارزه با تروریست است.

ب) رویه ای که ایران در بحث سوریه و مبارزه با تروریست در پیش گرفت منجر به همکاری های بیشتر منطقه ای برای تقویت سیستم دولت شد. از آنجایی که بعد از تحولات بهار عربی،

منطقه خاورمیانه به عنوان مرکز تروریست شناخته شد و نشان داد که نوع حکومت داری در خاورمیانه با ابهام همراه است، اما مسأله داعش منجر شد که نوعی اجماع سیاسی بین کشورهای خاورمیانه شکل بگیرد و این زمینه همکاری را فراهم کرد. به دیگر هدف اصلی داعش مبنی بر نابودی دولت ها، خود مرکزی برای تقویت همکاری های منطقه ای فراهم کرد. (ج) بعد از مداخله ایران در بحث داعش در عراق مشروعیت کشورهای فرامنطقه ای مانند آمریکا به چالش کشیده شد و موضوع برگشت آمریکا به خاک عراق منتفی شد. تحولاتی که در منطقه رخ داد چنانچه قابل توجه را هم یادآوری کرد:

۱. تا زمانی که ایران استراتژی های مستقلی در بحران های منطقه ای داشته باشد هیچ آسیبی نخواهد دید و این امر منجر به جلب کشورهای منطقه خواهد شد.
۲. برای حفظ ثبات باید روابط با همسایگان حفظ شود. چرا که افزایش تنش در یکی از کشورهای منطقه، سایر همسایگان را دچار آسیب می کند و منجر به هدر رفتن انرژی ملی می شود (سنایی و کاویانپور، ۱۳۹۵: ۳).

۴. علل موفقیت ایران در تقابل با داعش

طبق مطالعات انجام شده علل مختلفی موجب شد که ایران در تقابل با داعش به پیروزی دست یابد. دیپلماسی قدرتمند و واحدی که ایران در این تقابل به کار برد، همچنین استفاده از افراد متفکری که آشنا به امور منطقه بودند مانند سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی، موجب شد که ایران در این نبرد پیروز میدان باشد. نباید از نظر دور داشت که استقلال ایران و دور بودن از ائتلاف با غرب نیز در این پیروزی نقش موثری داشت.

داعش ضمن آنکه تهدیدی برای امنیت ملی ایران محسوب می شد اما منجر شد فضای دیپلماسی منطقه ای ایران نقش مثبتی را ایفا کند و نفوذ خود را در خاک عراق و سوریه بیشتر کند. البته در آن زمان دیدگاه هایی وجود داشت که معتقد بودند ایران حاکمیت خود را در خاک عراق از دست داده است. اما این دیدگاه کاملاً غلط است. چرا که هیچ کشوری حق مداخله در دولت مستقل دیگری را ندارد. بلکه می تواند با دیپلماسی کارآمد، نفوذ خود را در کشورها افزایش دهد. ایران در بحث داعش این دیپلماسی را به نحوی شایسته به کار برد و موفق شد (برزگر، ۱۳۹۳).

در ذیل این متن به توضیح عللی پرداخته می شود که از دید پژوهشگر و با توجه به مطالعات و همچنین اطلاعاتی که در رسانه ها منتشر شد، به عنوان علل اصلی موفقیت ایران شناخته می شوند.

۴-۱. رهبری انقلابی: بعد از جنگ بین عراق و آمریکا و بهره برداری به موقعی که ایران از جنگ به نفع خود کرد، نفوذ ایران در عراق گسترش یافته و به رسمیت شناخته شد. در جنگ بین عراق و آمریکا، رهبر جمهوری اسلامی ایران که امروزه به عنوان موثرترین بازیگر منطقه ای شناخته می شود با اتخاذ تدابیری توانستند سبب تثبیت و تقویت نفوذ معنوی ایران در عراق شوند. در بحث سوریه نیز بعد از بحران سال ۲۰۱۱ در سوریه ایران توانست استراتژی را به گونه ای شکل دهد که اصول اساسی دکترین ایران به چالش کشیده نشود و همچنان ایران، سوریه را به عنوان تنها متحد دولتی اش کنار خود نگه دارد. همین رهبری موجب شد که در جنگ عراق و سوریه با داعش نیز با توجه به وجود سابقه درخشان ایران در منطقه و حل بحران های اساسی مانند آنچه بیان شد، ایران بتواند با ورود قانونی به خاک عراق و سوریه و استفاده از منابع این کشور در مقابل داعش ایستادگی کرده و اجازه ورود داعش را به خاک ایران ندهد. لذا تدبیر رهبری و استفاده از تاکتیک های نظامی و غیر نظامی که از قبل ورود داعش به خاک عراق و سوریه در این منطقه به کار برد و موجب نفوذ در این مناطق شد، باعث گردید که در جنگ عراق و سوریه با داعش نیز ایران بتواند با بهره گیری از نفوذ خود در سطح منطقه زمینه سقوط و شکست خلافت خودخوانده داعش را سبب گردد. در این بین هرچند گروه های وابسته و نیروهای نیابتی ایران در سطح منطقه بسیار موثر عمل کرده و تاکتیک های نظامی و دیپلماتیک ایران نیز راهگشا بود لیکن عامل اصلی در توفیق ایران همانا رهبری آن بود.

۴-۲. موقعیت ایران در منطقه: مراکز مطالعاتی در غرب که در بحث خاورمیانه فعالیت می کنند اذعان کرده اند که موقعیتی که ایران توانسته بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در منطقه کسب کند، اولین و مهمترین عامل شکست داعش و سایر گروهک های تروریستی است. این مراکز، وجود گروه های نیابتی ایران در خارج از مرزهای جمهوری اسلامی را گواه این موضوع می دانند و بیان می کنند که ایران با تشکیل و تقویت گروه هایی در نقاط مختلف منطقه که از لحاظ استراتژیک موقعیت عالی دارند، توانسته قدرت خود را در خاورمیانه تثبیت کند و به قدرت برتر تبدیل شود.

یکی از اندیشکده های انگلیس به نام «موسسه بین المللی مطالعات استراتژیک» این نکته را مطرح کرد که چیزی که باعث قدرت ایران شده است، موشک های بالستیک یا برنامه هسته ای تهران نیست، بلکه نفوذ ایران در خاورمیانه و وجود نیروهای نیابتی است که ایران را به قدرت اول در منطقه تبدیل کرده است. این موسسه به سخن رهبر معظم انقلاب استناد کرده است. رهبر انقلاب در بخشی از سخنرانی خود فرمودند: «ما در بیرون کشور هم ظرفیت های مهمی داریم؛ طرفدارانی داریم، عمق راهبردی داریم، در منطقه، در کشور؛ بعضی بخاطر اسلام، بعضی به خاطر زبان، بعضی به خاطر مذهب تشیع؛ اینها عمق راهبردی کشور هستند». این سخن رهبر تکیه بر وجود قدرت دیپلماسی و استراتژی قوی ایران در منطقه دارد. ایران با وجود نیروهای نیابتی و استفاده از تاکتیک جنگ ترکیبی توانست با متقبل شدن هزینه نه چندان بالایی به هدف خود یعنی جلوگیری از گسترش داعش و محاصره نظامی توسط غرب، برسد.

۳-۴. توان نظامی ایران: ایران در سال های جنگ و بعد از آن سعی در افزایش قدرت موشکی و تسلیحاتی خود داشت و امروزه به این امر مهم دست یافته است. تسلیحاتی که امروزه ایران در قبال دشمنان خود به کار می برد بسیار پیشرفته اند و نشان از قدرت نظامی ایران دارد. این نکته باعث شده که تلفات انسانی جنگ کاهش پیدا کند و ایران از دور مدیریت خود را اعمال کند. در جنگ با داعش نیز ایران چند مورد از تسلیحات و موشک های خود را استفاده کرد که موجب دستیابی به دو هدف عمده شد. اول اینکه عراق و سوریه با بهره گیری از تسلیحات و نیروی نظامی ایران داعش را شکست دهند. دوم اینکه قدرت موشکی ایران به دنیا اثبات شد و موجب قدرت بیشتر ایران در منطقه خاورمیانه و سطح بین المللی شد. مواردی که ایران در اختیار عراق و سوریه قرار داد عبارتند از:

الف) هواپیماهای بدون سرنشین (پهپاد)

ایران یکی از مجهزترین ارتش های هواپیمای بدون سرنشین در خاورمیانه را دارد. این عاملی است که به ایران برای موفقیت در برابر داعش کمک کرد. هواپیماهای بدون سرنشین ایران اولین بار در جنگ با عراق در دهه ۱۹۸۰ مورد استفاده قرار گرفتند. امروز ایران از هواپیمای شناسایی مهاجر-۴ استفاده می کند که نشانه ای برای این است که چگونه ایران از لحاظ تکنولوژیکی در زمینه هواپیماهای بدون سرنشین خوب عمل می کند.

پس از سقوط موصل، ایران هواپیماهای بدون سرنشینش را به بغداد فرستاد تا شهرها و روستاهای اطراف پایتخت عراق را مورد بررسی قرار دهند. علاوه بر هواپیماهای مهاجر-۴،

پهپادهای ابابیل-۳ هم به عملیات شناسایی در عراق کمک کردند. این هواپیماهای بدون سرنشین اطلاعات لازم برای اهدافی که باید توسط جنگنده های اف-۴ بمباران شوند را تامین می کنند.

ب) جنگنده اف-۱۴

ایران چهار دهه پیش، ۷۹ جنگنده اف-۱۴ از ایالات متحده خریداری کرد. با این وجود به خاطر انقلاب ایران و تحریم های آمریکا، ایرانی ها مجبور به تعمیر این جنگنده ها شده اند. این تغییرات نتیجه تلاش های نیروهای بومی بوده است که شامل ارتقاء و نصب سیستم های راداری بومی بر روی این هواپیما و همچنین تقویت موتور و قابلیت حمل بمب های هوشمند به وزن ۹۰۰ کیلوگرم است.

ج) موشک های هدایت شونده دقیق

برخی از موشک های ایرانی ها که تهران تعداد زیادی از آنها را در اختیار دارد، از قابلیت نابودی دقیق مواضع داعش برخوردار هستند. برنامه موشک های دقیق ایران، نسبتاً پیشرفته است. به طور مثال، ایران در سال ۲۰۱۳، موشک مافوق صوت و ضد کشتی خلیج فارس را آزمایش کرد که دقت آن به طور چشمگیری ۸٫۵ متر است.

یکی از موشک هایی که می تواند علیه داعش استفاده شود، موشک قدرتمند فاتح-۱۱۰ است که به دولت بشار اسد و حزب الله هم داده شده است. ایران مدل پیشرفته موشک بالستیک با برد کوتاه فاتح - ۱۱۰ را در سال ۲۰۱۲ آزمایش کرد. با این که این موشک دفاعی است، اما قادر به از بین بردن اهداف زمینی و دریایی با دقت بالایی است. ایران با استفاده از توان موشکی سپاه در دو مرحله پس از حملات تروریستی داعش به مجلس شورای اسلامی و نیز رژه نیروهای مسلح در اهواز، اقدام به موشک باران مواضع داعش در سوریه نمود.

۴-۴. **سپاه پاسداران:** سپاه پاسداران که در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۸ با فرمان امام خمینی(ره) تشکیل شده بود، در نهایت به مهم ترین بازیگر تدافعی ایران تبدیل شد که در کلیه اموری که منافع ملی را به خطر می اندازد ورود می نماید. وظیفه اصلی این نهاد خارج از جغرافیای ایران، حمایت از جنبش های آزادی خواه و مسلمانان در منطقه است که این وظیفه بر عهده یکی از شاخه های آن یعنی نیروی قدس سپاه پاسداران محول شده است که فرماندهی آنرا در تقابل با داعش سردار حاج قاسم سلیمانی بر عهده داشت که شناختی عمیق و نزدیک از منطقه به ویژه عراق و سوریه داشت.

نیروی قدس عملاً از گروه‌هایی حمایت می‌کند که در خارج مرز ایران قصد دارند در محور مقاومت علیه تروریسم و کشورهای متخاصم پیکار نمایند. از اقدامات اصلی نیروی قدس ارائه خدمات مستشاری، سازماندهی گروه‌های مردمی حامی مقاومت و انتقال محرمانه تسلیحات به کشورهای درگیر با داعش بوده است. در این زمان ایران با حمایت از تشکیل گروه حشدالشعبی در عراق و نیز بسیج مردمی در سوریه موجب تقویت جبهه مقاومت شد. نیروی قدس و سردار سلیمانی در کنار نیروهای مردمی و دولتی عراق و سوریه، با حضور مستقیم در منطقه و اداره مستقیم جنگ توانستند ضربات مهلکی به داعش وارد کنند و داعش را از عراق و سوریه خارج کنند. البته شخصیت کاریزماتیک و فرماندهی میدانی و شجاعانه فرماندهی سپاه قدس نیز در این بین یکی از دلایل اصلی توفیق در تقابل با داعش بوده است. ضمن آنکه همپیمان شدن با روسیه بر پایه اقدامات نیروی قدس نیز مزید بر علت بود.

۴-۵. سازماندهی گروه‌های نیابتی حامی مقاومت: کشور عراق با وجود اکثریت شیعه به دلیل موقعیت اقتصادی و استراتژیکی خاص همواره مورد تهاجم سایر کشورها بوده است. یکی از دلایل بی‌ثباتی در عراق وجود همین اکثریت شیعه در عراق و حاکمیت اهل تسنن بود که نتوانستند شیعیان عراق را راضی نگه دارند. بنابراین، شیعه عراق با وجود اکثریت، هیچ‌گاه فرصت حکومت را نیافته و همیشه در صف اول مبارزه با سلطه قرار گرفته است (آدمی و ابراهیم پور، ۱۳۹۳: ۳۳). از سوی دیگر سوریه نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره حامی و هم‌پیمان جمهوری اسلامی و یکی از ارکان اصلی مقاومت در منطقه بوده است.

از سوی دیگر شیعیان عراق با اینکه حدود شصت درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند، به لحاظ تاریخی حاشیه‌نشین بوده‌اند. بنابراین طبیعی است از هر نوع تقسیم قدرت و سهم گرفتن از آن استقبال می‌کنند. از سوی دیگر، شیعیان دارای نوعی سازمان دهی درونی‌اند که از توجه آنان به علما ناشی می‌شود. گاه این سازمان دهی بر محور علمای بزرگ یا بیت آنان شکل می‌گیرد (مانند گروه صدر و جیش‌المهدی)؛ اما افزون بر آنها، احزاب و گروه‌های شیعی که با صدام مبارزه می‌کردند، همچون مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق و حزب الدعوة الاسلامیه، نیز نفوذ و اعتباری دارند (قاسمی، ۱۳۸۹: ۴۱).

در تداوم همین روند بود که بعد از جنگ عراق و آمریکا، شیعیان عراق با حمایت ایران عنان قدرت را در دست گرفتند و دولتی شیعی روی کار آمد. همچنین همین حمایت ایران موجب شد در جنگ با داعش نیز شیعیان عراق به دلیل مسائل مذهبی و ارزشی، با ایرانیان همراه

شوند و تحت رهبری ایرانیان در قالب نیروهای نظامی رسمی و یا گروه های مردمی داعش را از منطقه بیرون کنند. در این بین جمهوری اسلامی توانست با شکل دهی الحشد الشعبی در عراق و بسیج مردمی در سوریه و همچنین تشکیل گروههای جدیدی همچون فاطمیون و زینبیون و نیز فراخوانی نیروهای کارکشته و سازماندهی حزب الله لبنان تحت فرماندهی واحد سپاه قدس به بهترین شکل ممکن از ظرفیت این گروه ها که دارای قابلیت عملیات نامتقارن و چریکی بودند استفاده نموده و داعش را با شکست مواجه نماید. امروزه یکی از ارکان اصلی قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی در سطح منطقه همین گروه های حامی مقاومت بشمار می روند که سبب تثبیت و تقویت قدرت ایران در جغرافیای غرب آسیا شده اند.

۴-۶. ائتلاف استراتژیک با روسیه در تقابل با داعش: بدون شک یکی از عوامل و عناصر اصلی در شکست داعش ائتلاف استراتژیک نظامی ایران و روسیه بود که با همراهی دولت های میزبان یعنی عراق و سوریه صورت پذیرفت. این ائتلاف که به نوعی همسو با جریان مقاومت تلقی می گردید خارج از ائتلاف نیروهای غربی و عربی به رهبری آمریکا بود. برخی منابع خبری در دوران اوج فعالیت داعش اعلام نمودند که روسیه پس از اینکه از تشکیل ائتلاف منطقه ای با حضور عربستان و ترکیه ناامید شد به سمت ایران و سوریه و تشکیل ائتلاف با حضور این دو کشور و عراق گرفت.

این همکاری راهبردی در قالب همکاری امنیتی و اطلاعاتی میان کشورها و همچنین استقرار نیروهای نظامی، ایجاد پایگاه در بنادر مهم سوریه و استقرار جنگنده بمب افکن های روسی صورت گرفت. ضمن آنکه روسیه از توان و ظرفیت بین المللی دیپلماتیک خود نیز در این راستا بهره برد. بدون شک توان نیروی هوایی روسیه و اشراف اطلاعاتی آن در همسویی با نیروهای ایرانی و گروه های وابسته به آن نقش مهمی را در شکست داعش داشتند. نکته قابل توجه اینکه روسیه به درخواست دولت «بشار اسد» رئیس جمهور سوریه و با مجوز پارلمان خود وارد فاز حملات نظامی در سوریه گردید چرا که از یکسو سوریه به صورت سنتی یکی از حوزه های نفوذ روسیه به شمار رفته و از سوی دیگر کوتاهی و یا قصور روسیه می توانست ماجرای اوکراین و ورود غرب را بار دیگر برای این کشور به مثابه یک کابوس جدید تکرار نماید. در نهایت نتیجه همان گونه که بسیاری از رسانه ها و صاحب نظران نیز اعلام نمودند شکست گروه تروریستی داعش در سوریه و عراق به عنوان نتیجه همکاری های دو کشور جمهوری اسلامی ایران و روسیه تلقی گردید.

نتیجه گیری

هدف این مقاله بررسی علل موفقیت ایران در تقابل بین داعش با دولت های قانونی عراق و سوریه بود. پژوهشگر برای رسیدن به این هدف با توجه به منابع، اطلاعات سایت ها و مراکز خبری و در نتیجه با تحلیل خود، جمع بندی را انجام داده است.

با توجه به همسایگی ایران با عراق و همچنین روابط راهبردی با سوریه و نیز تهدیدهایی که از سوی داعش و حامیانش در کمین جمهوری اسلامی ایران بود، ایران چاره ای جز مداخله نداشت. چراکه از یک سو مرزهای فیزیکی کشور در معرض خطر بود و از سوی دیگر داعش تهدید کرده بود که قصد نابودی کلیه اماکن زیارتی شیعه را دارد و این به معنی تهدید همزمان منافع و ارزش های مورد حمایت و تأیید جمهوری اسلامی ایران بود، و از سوی دیگر اقتصاد و محیط زیست و ارزش های ملی ایران در معرض آسیب جدی بود. تمامی این عوامل موجب شد ایران به حمایت از دولت های عراق و سوریه و به درخواست آن ها وارد جنگ با داعش شود و با در اختیار گذاشتن سلاح و تجهیزات و اعزام نیروهای نظامی از این دو دولت قانونی حمایت کند. البته دخالت نظامی ایران با درخواست قانونی هر دو کشور صورت گرفت و لذا ایران امری مخالف با قوانین بین المللی انجام نداد. همانطور که مطرح شد عوامل مختلفی موجب پیروزی ایران در این جنگ شد. دیپلماسی قوی که رهبر انقلاب به کار بردند، توانایی های سپاه پاسداران بویژه نیروی قدس، سازماندهی مناسب گروه های حامی مقاومت، همچنین توان نظامی ایران موجب توفیق در این کارزار پیچیده و حساس باشد.

ضمناً وجود دیپلماسی قوی و مسیر و نقشه ای که ایران طراح آن بود و به طور مستقل آن را اجرا کرد موجب شد ضمن دور کردن تهدید داعش، جمهوری اسلامی در خاورمیانه همچنان دست بالای قدرت نظامی را داشته باشد. به واقع همین دیپلماسی قوی، چند لایه و هوشمندانه بود که سبب ورود و دخالت روسیه در قالب همپیمان راهبردی ایران در مقابله نظامی با داعش شد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ازغندی، علیرضا (۱۳۹۴). چارچوب و جهت گیری سیاست خارجی ایران، چاپ ششم. تهران: انتشارات قومس.
- آدمی، علی و ابراهیمی پور، حوا (۱۳۹۳). «جایگاه شیعیان در ساختار سیاسی جدید عراق»، فصلنامه علمی-پژوهشی شیعه شناسی، شماره ۴۶، صص ۱۴۰-۱۰۷.
- برزگر، کیهان (۱۳۹۳). تحولات اخیر عراق و امنیت ملی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات استراتژیک ایران.
- سنایی، اردشیر و کاویانپور، مونا (۱۳۹۵). «ظهور داعش و تأثیر آن بر سیاست خارجه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، شماره ۳۴، تابستان، صص ۱۶۶-۱۴۵.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۹). «بازیگران موثر بر عراق آینده: منافع و سناریوها»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴۷، بهار، صص ۵۸-۳۷.
- نجفی، هادی و مرادی، جهانبخش (۱۳۹۸). «حضور داعش در عراق و تأثیر آن بر امنیت ایران از نگاه شهروندان مهران»، فصلنامه بین المللی قانون یار. سال سوم، شماره ۹، بهار، صص ۱۷۸-۱۵۷.
- هوشی سادات، سیدمحمد (۱۳۹۳). داعش؛ میراث سیاسی غربی-عربی، تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

ب) سایت ها و خبرگزاری ها

- پایگاه اطلاع رسانی حوزه (۱۳۹۸). <https://hawzah.net>.
- پایگاه دیپلماسی ایرانی (۱۳۹۸). <http://www.irdiplomacy.ir>.
- شبکه العالم (۱۳۹۳). داعش چگونه متولد شد. <http://fa.alalam.ir>.

ج) منابع انگلیسی

- Zelin, Aaron Y. (2014). "The War between ISIS and al-Qaeda for Supremacy of the Global Jihadist Movement", **The Washington Institute for Near East Policy**, No. 20.